

حقوق تجارت - بازرگانی

دیباچه

قانون بازرگانی

جمله (قانون بازرگانی) یا (قانون تجارت) بطور کلی بر قوانینی اطلاق شده است که معاملات بازرگانان و افراد تجارت پیشه را اداره مینماید.

پیدایش این قوانین مبتنی بر ضرورت و احتیاج زمان میباشد و گرنه قانون انگلیس قسمت معینی را که بتجارت اختصاص داشته باشد حائز نبوده است و هر چند دادگاهی ویژه بنام دادگاه تجارت موجود است که دعاوی و مرافعاتی که در نتیجه معاملات بازرگانان پدید میآید به آن دادگاه مراجعه میشود از قبیل دعاوی مربوط به تنظیم اسناد تجارتي، واردات و صادرات کالای تجارتي، کارهای بانکی و بیمه و نمایندگی در تجارت و غیره - معذک در قوانین انگلستان موادی موجود نیست که بوسیله آنها بتوان تشخیص داد چگونه دعواهایی صرفاً جنبه تجارتي دارد بملاوه احکام دادگاهها و رویه قضائی آنها هم که در انگلستان سابقه و دستور عمل قضات را تشکیل میدهد این موضوع را مبهم گذارده است.

بازرگانان

اشخاصی که بنام بازرگان شناخته شده اند آنهایی هستند که معاملات تجارتي را انجام میدهند. شخص بازرگان ممکن است یکفرد تاجر باشد چنانچه غالباً هم بهمین عنوان مینامیم و ممکن است یکمده افراد باشند که با هم کار کنند یعنی شرکتی باشد. بسیاری از معاملات بوسیله نمایندگان یا اشخاصی که به نیابت یا عنوان دیگری کار میکنند انجام میگردد.

منابع قانون تجارت

منابع عمده قانون بازرگانی عبارت است از قانون عرف عام انگلیس باملا حظه جرح و تعدیل یا منضمات تکمیلی آن که بوسیله قوانین مصوب مجلس و آئین عرف خاص حاصل شده است.

قانون عرف عام

مقصود از قانون عرف عام قوانینی است که دادگاههای رسمی بعد از فتح نورمانها بدان قوانین عمل کرده اند. زیرا قبل از فتح نورمانها یعنی قبل از سال (۱۰۶۶ میلادی) آئین و قوانین انگلستان هم آهنگ و یکنواخت نبود مثلاً مقررات عرفی که در شهرستان یورکشایر معمول بود در شهرستان همپشایر مجهول و مورد توجه نبود و همچنین هر شهرستانی برای خود يك جمله قوانین عرفی داشت که در شهرستان دیگر بدان عمل نمیکردند و چون دادگاههای شهرستانها باهمدیگر ارتباطی نداشتند تا زمانی که در تمامی کشور مرکزیت کامل برقرار نگشت بازرگانان يك شهرستان باشهر دیگر از روی اطمینان و اعتماد بحفظ حقوق خود نمیتوانستند معاملات جاری داشته باشند و اما بعد از فتح نورمانها دادگستری رسمی از مرکز بجمیع ولایات شاخه دوانیده و نافذ گشت و قدرت دادگاههای محلی رو بانحطاط و تدنی نهاد و قوانین معموله در وستمنستر برای کلیه نقاط کشور قوانین حا که شناخته شد. پس قانون عرف عام بطوری که آنرا بدین نام خوانده اند از اواخر سلطنت هائری سوم در انگلستان استوار گردید.

عرف خاص

قانون عرف خاص قانونی است که سابقاً برای مساعدت

بکسانی که در قانون عرف عام برای دعوی آنان دستور مکفی پیدا نمیشد در دادگاه عرفیات اجرا میگشت و بتدریج مقررات عرف خاص هم مانند عرف عام در کشور پایه گرفت و دستور کار گردید معذک تا سالهای [۱۸۷۳] و [۱۸۷۵] دادگاههایی که بقانون عرف عام عمل میکردند از دادگاههایی که بقانون عرف خاص عمل مینمودند مجزی و جدا بودند ولی از سالهای نامبرده که فرمانهای مربوط باصلاحات قضائی صادر شد قانون عرف عام و عرف خاص هر دو بکسان در همه شعبه های دادگاه عالی دستور کار گردید و هر جا که میانه دستور عرف عام با عرف خاص تناقضی دیده شد بمقررات عرف خاص ترجیح نهادند و بر عرف عام غالب آمد

قوانین پارلمانی

قوانین پارلمانی عبارت از آنهایی است که بتصویب مجلس شورای ملی وضع گردیده است. تاریخ تصویب این قبیل قوانین هیچکدام از سلطنت هانری سوم که در بالا به آن اشاره شد قدیمتر نیست زیرا چنانکه نوشتیم قانون عرف عام در آن دوره پایه و مایه گرفت و استوار گشت. قوانین مجلس هر جا بمیان آید بر مقررات عرف عام و عرف خاص فائق میگردد.

طی مدتی که قانون عرف عام انگلیس در کار تشکیل و استوار شدن بود در دادگاههای عادی راجع بامور تجاری کمترین توجه نمیشد و قوانینی هم که در آن دوره ها از مجلس میگذشته غالباً مربوط به تنظیم معاملات و اداره املاک غیر منقول و اراضی بوده است.

آداب تجارتی

بمرور زمان مابین تجار و بازرگانان داب ها و رسوم و آدابی بوجود آمد که از لحاظ پیشرفت معاملات مؤثر و مفید شمرده میشد اما آن آداب و رسوم در دادگاههای رسمی مورد اعتنا و استعمال نبود. آداب و رسوم تجارتی انگلستان قسمتی از راه و رسم تجار خارجی اقتباس شده و

قسمتی هم مستقیماً از قوانین روم مأخوذ و مابقی خصوصاً آنهاییکه بتجارت دریائی مربوط است از مجموعه های قوانین گرفته شده که در مهمترین شهر های تجارتی و بنادر شهیر اروپای جنوبی در عصرهای آبادانی آنها معمول بوده است. (مقصود از بنادر نامبرده جمهوری و نیز وینتر ژن و بعضی شهرهای دیگر در جزایر دریای روم میباشد زیرا بلاد مزبور در قرون وسطی علمدار تجارت مشرق با مغرب شناخته می شدند.)

فقها و قانون دانانی که به عرف عام عمل میکردند از شناختن و مجری داشتن آداب تجارتی در دادگاههای خود امتناع میورزیدند و این امتناع آنها خسارات بیش از انتظار تجارت وارد آورد.

دادگاههای تجارتی

در بازارهای بزرگ موسمی و مکاره ها تجار خودشان دادگاههای مخصوص بعنوان دادگاههای مختلط تشکیل می دادند و اشخاص تجارتی که صاحب امتیاز معینی بودند طریقه داوری را تمقیب و ترویج مینمودند و بسیاری از طبقات تجارت پیشه و همچنین بعضی از ناحیه های کشور موجب تشکیل دادگاههای محلی شدند مانند دادگاه معادن قلع ناحیه (کرن وال) که آداب و رسوم تجارتی را در حل و فصل دعاوی برسمیت شناخت.

این دادگاهها پیوسته مورد حمله فقهای عرف عام واقع میشدند تا آنکه حملات دائم و پیاپی آنان موجب گشت که تدریجاً هم از عنده و هم از اهمیت خودشان کاسته عاقبت دوچار سقوط شدند.

شناسائی آداب تجارتی در دادگاهها

در سلطنت جمس اول که شخص [کوک] عهده دار دادگستری کبیل کشور بود فی الواقع مهمترین اصول معموله تجارت را در ردیف عرف عام برسمیت شناخت و چون نوبه پیشوائی بهاردهالت رسید در دوره سلطنت (آن) قدمهای بلندتری برداشته شد. ارد نامبرده میخواست حتی اصول

رسیدگی بدعاوی تجارتي را با بعضی تحدیدات طبق آداب و معمول تجارتي در دادگاهها جاری سازد چنانچه این حقیقت از حکمی که [کوکارن] پیشوای کل دادرسی در سال ۱۸۷۵ راجع بیکي از مرافعات مشهور تجارتي صادر نموده است بدید میآید زیرا پیشوای نامبرده طی مقدمه حکم خود در باره اسناد مدت دار و برات نامچه هاشرحی نگاشته و بمخالفت ادهالت اشاره مینماید که مایل نبوده این قبیل اوراق را قابل معامله و داد و ستد بشناسد ولی عاقبت آداب و رسوم تجارتي بر عقیده وی غالب آمده اوراق مزبور را مثل کالائی که قابل داد و ستد باشد شناخته و تمام دادگاههای انگلیس هم بعد از آن تاریخ آن اوراق را بهمین صورت میشناسند. ولیکن جد و جهدی که لرد (منسفیلد) سال ۱۷۹۳ - ۱۷۰۵ در طرفداری آداب تجارتي مبذول داشت خدمات لرد هالت را از یاد برد زیرا در نتیجه ابرام و یا فشاری منسفیلد بود که عاقبت از اواسط قرن هیجدهم ببعده قانون تجارت هم يك جزو از اجزای مجموعه قوانین عام انگلیس شناخته گشت. راجع باین موضوع طی حکمی که در بالا به آن اشاره شد شرح زیر آمده که نقل آن خالی از فایده نیست:

۰۰۰ در باره قانون تجارت گاهی چنین گفته اند که همواره جزو لاینفك قانون عام انگلیس و همزاد و هم منشأ آن بوده و حال آنکه سستی این دعوی را تاریخ حقوق مسلم میدارد قانون تجارتیکه امروزه معمول است با توجه به برات نامچهها و سایر اسناد و اوراق بها دار که اینك جزو لاینفك قانون تجارت است بالنسبه در زمان اخیر بوجود آمده است و این قانون چیزی جز رسوم معمول بازرگانان و سوداگرانی که در قسمت های مختلف تجارت کار میکنند نبود که چون بنظر دادگاههای حقوقی رسیده آن دادگاهها بلحاظ ترویج تجارت و تسهیل معاملات رسوم و آداب مزبور را تنفیذ و مصدق داشته بمنزله يك قانون مقرر و مجری نگریسته اند

و اما آن اصلی که در این روش منگای دادگاهها بوده عبارت از اینست که در شعبه ها و صنف مختلف تجارت هرگونه قراردادها و معاملاتیکه میان دو طرف صورت گیرد بر مبنای آداب و رسومی که در همان صنف معمول است انجام میپذیرد و دادگاههای حقوقی آن قراردادها و معاملات را همواره با مقررات صنفی که مبنای آنها بوده برسمیت میشناخته اند این اصل مسلم حقوقی که پیوسته برقرار بوده بعدها دانه اش توسعه یافته بطوریکه هرگونه دأب و رسمی که سابقاً از لحاظ مقامات قضائی مورد اعتنا نبود تدریجاً به بیکر عرف عام انضا- و اتصال داده شد و جزو لاینفك قانون گردید.

بنا بر شرح بالا می بینیم که هر کدام از آداب و رسوم تجارتي همینکه بکمرتبه از مجرای قضائی مسلم و مصدق گشت دیگر بعدها جزء عرف عام انگلیس درآمده دادگاهها و مقامات دادگتری مکلفند آنها شناخته رسمیت بدهند.

اموال تجارتي

معاملات تجارتي عموماً روی اموال منقول جریان مییابد و زمین و اموال غیر منقول فقط از لحاظ حوائج شرکتها ممکن است در تجارت وارد گردد و در اینگونه موارد نیز اموال غیر منقول را از چندین حیث بمنزله اموال منقول میشمارند.

اموال منقول بدورقم تقسیم میگردد:

- ۱- مال عینی یا سرمایه نیکه تحت تصرف است.
 - ۲- مال دینی یا آنچه که بر ذمه است.
- مال رقم اول عبارت از آن چیزهاییست که صورت مادی دارد مانند يك عدل کالای تجارتي یا مسکوکات و تقدینه.

رقم دوم عبارت از تمامی حقوق و دعاوی میباشد که هر چند صورت مادی و عینی ندارد ولیکن هنگام ضرورت با تشبیه بوسایل قانونی میتواند صورت مادی بیابد مانند وامها

بفروش کالا خواهیم دید دارنده کالای تجارنی میتواند مالکیت خود را (مادام که خلاف آن ظاهر نشده) در بازار عمومی بفروش رساند هر چند که آن اموال در اصل از راه سرقت حاصل شده باشد همچنانیکه قانون راجع به برات نامچه های تجارنی (سال ۱۸۸۲) مقرر داشته کسیکه بالفعل دارنده اوراق بها دار تجارنی است قطع نظر از وقایعی که قبل از آن تاریخ نسبت به آن اوراق بیش آمده حق غیر قابل اعتراض در معامله آنها دارد.

رحیم زاده صفوی

و اوراق راجع بوامهای دولتی، سهام شرکتها، امتیازنامهها و علائم تجارنی و حق طبع و تقلید +

میباید در خاطر داشت که اشیاء موضوع مالکیت مطلق واقع و ممکن است از دستی بدستی واگذار گردد و تفاوت آن با مالکیت اراضی از اینجا یدیدار میشود زیرا مالکیت اراضی در انگلستان در قرون وسطی نظراً پادشاه تعلق داشته و از طرف پادشاه بمالکین واگذار گردیده و بنا بر این انتقال مالکیت باید عادتاً با دادن يك قبالة مهور انجام پذیرد و فقط مالك زمین میتواند مالکیت خود را بدیگری انتقال دهد (جز از چند مورد استثنائی) و حال آنکه در اموال منقول و تجارنی چنین نیست و بطوریکه در فصل راجع

